

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۲۰ اکتوبر ۲۰۱۲

عقل نباشد جان در عذاب است

اخطار غلام بچگان شورای نظر در مورد یک انتخابات «شفاف»!

«شماری از احزاب سیاسی در افغانستان هشدار داده اند، اگر حکومت در برگزاری انتخابات شفاف و عادلانه جدی عمل نکند، حوادث تلخ در انتظار این کشور خواهد بود.»

قبلاً در نوشته ای تحت عنوان (باید دولت و حکومت خزان توسط انقلاب مسلحانه مردمی سرنگون شود!) در مورد حاکمیت خزان بر سرنوشت مردم و کشور هوشدار دادم و حالا زمانی که اعلامیه شماری از «احزاب» و همچنان "هوشدار" های غلامبچگان همچو عبدالله عبدالله و امر الله (صالح) کودن و بیشعور را خواندم به این نتیجه رسیدم که به مقام شرافتمندانه حیوانی خر توهین نموده ام و همچنان به یادم آمد که خر یک حیوان زحمتکش بوده و در پهلوی زحمتکش بودنش نهایت پاک خور می باشد زیرا سر سر سبزه را نوش جان می کند و تنها یک کمبود دارد که هفته فهم می باشد و بس. بنابر دلایل ذکر شده من از خر معذرت می خواهم زیرا مقامش والاتر و برتر از عبدالله عبدالله و امرالله صالح می باشد.

زمانی که غلامبچگان از شماری از احزاب صحبت می کنند مگر این احزاب که ها هستند؟ این «شخصیت» ها که در رأس این احزاب اند که ها هستند و دارای چه کارنامه و عملکرد های انسانی و ملی می باشند؟

بعداً متوجه می شویم که این قیافه و چهره های مفلوک همان چهره های شناخته شده ای می باشند که دستان کثیف شان به خون ملت افغان بالاخص کابلین رنگین بوده و آفریدگاران جنایت- خیانت و وحشت می باشند که در سه دهه اخیر مصدر خیانت ملی- آدمکشی و ویرانی شده اند!

چنگیز قرن ۲۱ محقق- فاضل سنگچارکی- تیمور لنگ قرن ۲۱ دوستم و غلامبچگان قرن ۲۱ را کیست که نشناسد و از عملکرد های ننگین و ضد آدمیت شان با خبر نباشد. اما این جانوران میکروبی باز هم با پر روئی- چشم سفیدی و دهن دریدگی تمام سر های شان را زیر ریگ پنهان می دارند تا مردم آنها را نشناسد و در لفافه احزاب

و..... پنهان می شوند و از انتخابات شفاف می نالند؛ مگر به این زودی مردم جنایات و وحشیگریهای این سادیسیت های قدرت طلب و فاشیست را به باد فراموشی سپرده اند؟!

باز هم مجبور می شوم که از خر بیچاره مثال بیاورم که خر همان خر است مگر پالانش تغییر کرده است. "عبدالله عبدالله رهبر ائتلاف ملی گفت: "همانطوری که روند انتقال مسئولیت نظامی و امنیتی به خوبی صورت می گیرد، روند انتقال سیاسی هم مطابق قانون و به اساس انتخابات سالم صورت گیرد و در این مورد هر نوع بی تفاوتی و دستبرد به سرنوشت مردم برای مردم قابل تحمل نخواهد بود."

قسم که سبزه مشهور و رحیم پنجشیری اگر زنده می بودند از بیغیرتی- سست عنصری و چشم سفیدی عبدالله عرق شرم از جبین های شان می ریخت و خجالت می کشیدند زیرا عبدالله با لجام گسیختگی تمام و بدون کوچکترین شرم و حیاء از روند انتقال سیاسی مطابق به «قانون» بر اساس انتخابات «سالم» در کشوری که بر آن بیشتر از چهل کشور ارتجاعی و امپریالیستی تجاوز کرده است بی مسوولانه و بدون درک از قضایا و واقعیات حرف می زند و گویا چنان نشان می دهد و وانمود می کند که از ۳۵ میلیون نفوس کشور بیست و پنج میلیون برای این قلاده به گردن بیمار روانی و جاسوس کثیف رأی می دهند؟!

این دهنپاره منحوس و بیشرافت خود از اعضای سابقه دار دولت مزدور بود و در تعیین سیاست های خارجی دولت و همچنان در امورات حکومتی و دولتی نقش بازی کرده است و برای ۴ سال متواتر وزیر خارجه دولت مزدور بود. در زمانی که وزیر خارجه بود کوچکترین انتقادی را متوجه شخص کرزی و دولت پوشالی اش نساخته و اما زمانی که از وظیفه اش سبکدوش گردید از دولت و عملکرد هایش به انتقاد آغازید، در حالی که خودش جزء مهم از دولت دست نشانده و غیر قانونی بود!

عبدالله عبدالله با رهبر جنایتکارش بز یک گوش و پکول به سر مسعود و غلامبچگان شورای نظر بر سرنوشت مردم و میهن ما برای چهار سال مکمل از ۱۹۹۲-۱۹۹۶ بازی گستاخانه نمودند و به خاطر حفظ قدرت سیاسی و دولت بر مبنای تاجیکبسم با زنجیر گسیختگی تمام به جنگ و مصاف رقیبان سیاسی و برادران جهادی اش اعم از شیعه نوکر ایران و سنی نوکر پاکستان شتافت و با روش و طریقه ضد مدنی و ضد انسانی مردمی را به خاطر کابلی بودن قتل عام نمود و تمدن تاریخی را که نشانه های تمدن و فرهنگ درخشان آریائی و کوشاین بود بربر منشانه منهدم ساخت. ارتش کشور را با تمام تجهیزات اعم از تانک و طیاره و..... در بیست و چهار ساعت از قلمرو افغانستان نا پدید ساخت- موزیم ملی کشور را که بعد از موزه فرانسه جایگاه دومین رادر جهان داشت به شکل وحشیانه ای تاراج و چپاول نمود. دو طیاره مسافر بری متعلق به شرکت آریانا را که هر دو به مبلغ ۵۵ میلیون دالر خریداری شده بود به امر ربانی و مسعود مبلغ ۶ میلیون دالر برای جمهوری اسلامی فاشیستی ایران به فروش رساند. اموال شفاخانه ها را بعد از غارت بالای پاکستان فروخت. آنتن تلویزیون افغانستان را که به اسم شمشاد بود و تنها افغانستان بعد از روسیه- هند و چین در قاره آسیا در اختیار داشت بالای پاکستان به فروش رسانید و مهمتر از همه این چهره شیاد و پست فطرت پلید با مسعود، کاظمی، سیاف، ربانی، اکبری، محقق، و مزاری آفرید گاران حادثه خونین افشار اند که وجدان بشریت را تکان داد و صد ها رقم جنایت دیگر؟!

حالا این کودن بی شخصیت، شهرت پسند و قدرت طلب با به فراموشی سپاری گذشته های ننگین و ضد ملی اش می خواهد در رأس قدرت سیاسی قرار گیرد و افسار حاکمیت را در دستش بگیرد تا هر کاری که دلخواش و مطابق به سلیقه و تعلقات ملیتی و سیاسی اش باشد انجام دهد تا ایجاد تاجیکستان «کبیر»؟! خنده آور تر که امرالله نا صالح به رخ زرد ملیت پرستی و پنجشیریزمش نقاب ملیگرانی را می کشد و فیلسوفانه و منحیت رهبر افشار و

طبقات اجتماعی افغانستان می گوید که نادیده گرفتن این خواسته‌های شان که همانا انتخابات شفاف می باشد افغانستان را به سوی بحران می‌برد!

یکی را به قریه راه نمی دادند سراغ خانه ملک را می گرفت!

«ام‌الله صالح رئیس پیشین اداره امنیت ملی هم که در این همایش حضور داشت، گفت نادیده گرفتن پیشنهادها مطرح شده در این همایش، پیامد خوبی نخواهد داشت.»

او هشدار داد: «در این جا گروه و قوم خاصی نظر خود را بیان نکرده، بلکه طیف‌های مختلف چپی، راستی، اسلامگرا و معتدل همه این جا گرد هم آمدند.»

نادیده گرفتن این خواسته‌ها افغانستان را به سوی بحران می‌برد.»

زمانی که شیر زخمی باشد موش‌های کور از سوراخ‌های شان بیرون می شوند و خود شان را در آئینه شیر می نگرند. حالا از این موش کور و بیسواد لومپن و اوباش پست فطرت سؤال می کنم که در پهلوی دیگر نیرو هائی که ذکر کرده است این «چپی» هایش را معرفی دارد که ما بدانیم که ها اند و دارای چه سابقه مبارزاتی و انقلابی می باشند؟

حتمی امر الله نا صالح از برادران دو قلوبی مسعود علومی- جنرال بابیه جان- جنرال رفیع و دیگر وطنفروشان خلقی و پرچمی که زمانی بوسه بر رکاب سوسیال امپریالیسم شوروی می زدند و حالا بر شمشیر خونچکان امپریالیستهای جهانی بوسه زده اند صحبت می کند و افتخار می نماید؟!!

اتکاء بر خس و خاشاک و کتمان حقایق تاریخی برای غلامبچگان جاسوس و وطنفروش هویت مبارزاتی نمی بخشد و مردم افغانستان بزرگ دیگر فریب نیرنگهای این ابله های وجدانباخته و عاری از شرف و عاری از مدنیت را نخواهند خورد.

امر الله نا صالح یک چشم در شهر کوران «پادشاه» است و هر کثافت و لجنی را که از دهن نجسش می پراند مورد استقبال عده معدودی از غلامبچگان جاهل واقع می گردد. چندی قبل بعد از استیضاح، باز خواست و بالاخره برکناری اش از مقام رئیس امنیت دولت دستنشانده در پهلوی احساسات نشان‌دانهای دروغین ضد پاکستانی اش از مهره پنجم در دولت مزدور کرزی صحبت نمود و "اموک" های هم ولسوالی اش با تکان دادن سر های شان به علامه تأیید از درایت و خردمندی «تئوریسن» قرن ۲۱ کوهپایه های پنجشیر استقبال نمودند. من کم سواد هم وقت را غنیمت شمرده از طرق مختلف و چینل های شورای نظار در فیس بوک از امرالله نا صالح خواستم تا در مورد ستون اول تا الی پنجم دولت معلومات ارائه دهد تا بر معلومات اندک ما افزوده گردد و اما وی وقت اضافی نداشتند که در مورد صحبت نماید!

امروز سر نوشت میهن محبوب و مردم اسیر ما در دستان کسانی افتیده است که آرزوی برپادی و تجزیه کشور را تحت عناوین سیستم پارلمانی و فدرالیسم در سر می پروراند!

امروز یک اقلیت پرازیتی - مجهول الهویت و بدنام که بیشتر از چند هزار تن هم نیستند با همقلادگان جهادی تیپ ایرانی و پاکستانی شان ۳۵ میلیون افغان معصوم را به کمک نیروهای اشغالگر به گروگان گرفته اند و خواستههای ارتجاعی شان را به زور تفنگ و پول بالای توده ها تحمیل داشته اند. متأسفانه هیچ کس نیست که در مقابل این جانپان و آدمکشان بایستد و بگوید که بالای چشم غلامبچگان ابروست!

امروز خلق انقلابی تاجیک در سکوت مطلق اند و توانائی این را ندارند که برای غلامبچگان بگویند که شما ها که هستید که از ما نمایندگی می کنید و که شما را منحنیث نمایندگان بر ما تحمیل کرده است؟

خلق دری زبان پروان کهن و کوهدامن زمین (شمالی) تا دیروز زمین را زیر پا های غلامبچگان به آتش تبدیل کرده بودند و عار می دانستند که حتا با آنها هم صحبت شوند چه شد که این داغ ننگ و لکه بردگی را، غلامان بر پیشانیهای شان حک نموده اند؟!!

مگر تجاوزات بیناموسانه مسعود در حق خلق کوهدامن زمین فراموش تاریخ شده است؟ مگر تجاوز غلامبچگان بر حرمت و ناموس زنان شمالی از لوح خاطره های فرزندان اسطوره های فراموش ناپذیر تاریخ رزم و حماسه سرزمین مان همچو میر بچه خان و مسجدی خان زوده شده است؟

به پا خیزید که زمان زمان برخاستن است!

به پا خیزید این لکه ها و داغ های ننگ را از جبین های تان پاک سازید و دامان مطهر مادر میهن را از این میکروبهای اجتماعی پاک گردانید!

به پا خیزید و این گدایان قدرت را با های و هوی پارلمانی شان به گور بسپارید!

اگر همین میکروبهای نجس و همقطاران شان از دامان مادر وطن نابود شوند پرنده سعادت و همدلی در آسمان نیلگون سرزمین آفتاب تابان پرواز خواهد آمد.

میرویس ودان محمودی